

گزارش‌هایی از روابط محرمانه احمدشاه و سفارت شوروی



احمدشاه

• هادی بکائیان

روابط محرمانه احمدشاه و سفارت شوروی مجموعه‌ای از یادداشت‌های رضا بصیرالدوله هروی، از محرمان شخص احمدشاه و واسطه این روابط، از جمله معدود منابعی است که گوشه‌ای از نکات ناگفته این دوران را روشن می‌کند. یادداشت‌های بصیرالدوله به دو دوره مشخص از این روابط اشاره می‌کند:

دوره اول از ورود وزیرمختار شوروی، روتشتین، به ایران تا سفر دوم احمدشاه به اروپا و دوره دوم از بازگشت وی تا آخرین سفر بی‌بازگشت وی به اروپا.

دیبچه کتاب که به قلم انوشیروان صدیق، نوه دختری بصیرالدوله به نگارش درآمده است، به زندگی، شخصیت، اقدامات خیرخواهانه بصیرالدوله و برخی محاسن اخلاقی احمدشاه از زبان وی اشاره می‌کند. در مقدمه، مجید تفرشی، کوشنده این اثر نیز به اولین تلاش‌های دولت شوروی برای ایجاد رابطه با دولت ایران تا ورود روتشتین اشاره شده و سپس به ذکر ویژگی‌ها و فعالیت‌های این سیاستمدار روسی و نقش وی در روابط ایران و شوروی در زمان احمد شاه و به دنبال آن به دلیل خروج وی از ایران پرداخته شده است. آن چه در این بخش کمتر بدان توجه شده است، نگاهی همه سو و تحلیلی به علل عدم موفقیت روابط شوروی با احمد شاه می‌باشد. در حالی که نویسنده مقدمه دلیل این عدم موفقیت را در ترک کردن میدان از سوی احمدشاه می‌داند. واقعیات تاریخی اصل موازنه در روابط شوروی و انگلیس را در سقوط دولت قاجاریه و ظهور



- دوسال روابط محرمانه ایران و شوروی، یادداشت‌های رضا هروی بصیرالدوله
- به کوشش: مجید تفرشی
- ناشر: نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۷۴، ۱۷۷ ص، ۲۸۰۰ ریال

دوران حکومت احمدشاه آخرین شاه قاجار از نظر حوادث و تحولاتی که در نهایت منجر به سقوط قاجارها و ظهور سلسله پهلوی شد، یکی از دوره‌های مهم تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید. تاکنون پژوهش‌های فراوانی در موضوعات مختلف مربوط به این دوره صورت گرفته است. اما آنچه کمتر و شاید به دلیل کمبود منابع و اسناد مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، جایگاه و نقش دولت تازه تأسیس شوروی در حوادث این دوره و روابط این دولت با ایران همزمان با واپسین روزهای حیات قاجاریه است. کتاب دوسال

**بخش نخست
یادداشت‌های
بصیرالدوله بیشتر به باج
خواهی‌ها و نارضایتی‌های
رتشتین، وزیر مختار
شوروی، اختصاص دارد.
این باج‌خواهی‌ها اغلب
در راستای تلاش دیرپای
روس‌ها در جهت
دستیابی به منافع
سیاسی، اقتصادی و
فرهنگی صورت می‌گرفت**

دولت پهلوی ثابت می‌نماید. آخرین یادداشت‌های بصیرالدوله در همین کتاب نیز بر عقب‌نشینی شوروی و مصالحه با رضاخان و انگلیسی‌ها اشاره دارد (صص ۴-۱۰۳).

فصل اول: ۲۳ مهر ۱۳۰۰ تا ۲۷ دی ۱۳۰۰:

در ابتدای فصل اول به ملاقات وزیر مختار و مترجم وی از شاه در قصر صاحبقرانیه و تأکید شاه بر این که تنها واسطه رابطه شاه و سفارت شوروی شخص بصیرالدوله می‌باشد، اشاره شده است. (ص ۳۶) بخش نخست یادداشت‌ها بیشتر به باج‌خواهی‌ها و نارضایتی‌های رتشتین، وزیر مختار شوروی اختصاص دارد. این باج‌خواهی‌ها اغلب در راستای تلاش دیرپای روس‌ها در جهت دستیابی به منافع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صورت می‌گرفت. از سوی دیگر شاه و دربار ایران که حوادثی چون کودتای سیاه و افزایش قدرت رضاخان در مقام وزارت جنگ (که منجر به کاهش شدید قدرت احمدشاه شد) را به چشم دیده بود، به جهت همان فقدان قدرت سیاسی برای ترغیب روس‌ها به حمایت گسترده از دربار، فقط به پاسخ‌های دلگرم‌کننده بسنده کرده و دلیل عدم توانایی عملی را به ساختار حکومتی ایران که قدرت واقعی را در اختیار مجلس قرار داده بود مربوط می‌دانست. (ص ۵۰)

آن چه در فصل اول روشن می‌گردد، درک صحیح شوروی از اوضاع سیاسی و وقایع پشت پرده سیاست ایران، به ویژه مقاصد انگلیس در سقوط قاجارها و به قدرت رسانیدن رضاخان است. با این همه فصل اول کمتر از فصل دوم به مسئله سردار سپه و قدرت‌یابی فزاینده او اختصاص دارد. اما علایق روس‌ها و آگاهی آن‌ها از روند وقایع ایران را می‌توان از لابه لای این یادداشت‌ها دریافت. در زمان دولت قوام در ملاقات وزیر مختار شوروی با بصیرالدوله، وزیر مختار به نکاتی تأکید می‌کند که سیاست روس‌ها را در آن دوره تا حدودی روشن می‌کند: «با خود قوام السلطنه چقدرها برای استحکام کابینه او همراهی نمودم. تمامش را با خلف و عده دروغ گفت. در مسئله گیلان چقدرها کمک کرده که دولت ایران را از شر میرزا کوچک خان خلاص نمودم.» (ص ۵۴) در ملاقاتی دیگر می‌گوید «تمام این وزراء را دروغگو می‌دانم... الان می‌خواهند شاه را روانه فرنگ کنند. در واقع این دستورالعمل انگلیسی‌هاست برای مقاصد خودشان و همراهی فوق العاده‌ای که با سردار سپه دارند. می‌خواهند او را قدرت دهند و بودن شاه را در ایران مضر می‌دانند...» (ص ۵۴). در قسمتی دیگر از یادداشت‌های بصیرالدوله به توانایی روس‌ها در دریافت سریع اخبار سیاسی ایران پی می‌بریم: «پس از مدتی (رتشتین) نزد من آمد و گفت: شخصی که الان نزد من بود از قراری که اظهار داشت کابینه همین امروز و فردا مستعفی خواهد شد و رأی مجلس بر این

است که مشیرالدوله رئیس الوزراء شود...» (ص ۶۵)

در کتاب علاقه روس‌ها به تثبیت و تقویت مهره‌های سیاسی خود و رقابت با نفوذ انگلیس نیز مشهود است.

اما با توجه به پاسخ‌های احمدشاه به خواسته‌ها و گلایه‌های روس‌ها، از یک سو می‌توان به موضع منفعلانه شاه به دلیل فقدان قدرت وی و از سوی دیگر به تلاش‌های او برای جلب حمایت روس‌ها در برابر جبهه مشترک رضاخان و انگلیسی‌ها پی برد؛ در حالی که همان‌گونه که گفته شد، شاه این عدم توانایی را به ساختار حکومت ایران حواله می‌داد. بصیرالدوله از زبان احمدشاه در پاسخ به خواسته‌های رتشتین می‌گوید: «البته دولت مشروطه با داشتن مجلس برای شاه بیشتر از این حقی نگذاشته که بتوانند در انجام امورات مهم رضایت خاطر جنابعالی را جلب نمایند.» (ص ۵) علاوه بر موارد مهمی که در بالا ذکر گردید، برخی از مهم‌ترین خواسته‌ها و نارضایتی‌های روس‌ها از دربار ایران از زبان وزیر مختار آن‌ها به شرح زیر است:

نارضایتی از تأخیر در ارسال پاسخ‌نامه لنین از سوی احمدشاه، نارضایتی از حضور ارمینان در تلگرافخانه و تقاضای اخراج آن‌ها به دلیل سوء نیت‌شان، تقاضای حل مسئله شیلات شمال، اعتراض به واگذاری امتیاز راه شوسه انزلی به بلژیکی‌ها و پیشنهاد واگذاری آن به شوروی، نارضایتی از عدم تقدم ایران به رابطه با شوروی و مخالفت با مذاکرات ایران با آمریکا در مورد نفت شمال.

فصل دوم: از بازگشت احمدشاه به ایران تا آخرین سفر وی به اروپا (۴ بهمن ۱۳۰۱ تا ۲۹ مهر ۱۳۰۲)

در آغاز یادداشت‌های این فصل نیز مانند فصل قبل به تأکید احمدشاه مبنی بر محرمانه بودن مذاکرات و نیز ادامه این روابط از سوی بصیرالدوله با سفارت شوروی پی می‌بریم، در حالی که این بار به جای رتشتین فردی دیگر به نام شومیاتسکی و سپس والدین از سوی روس‌ها با شاه مذاکره می‌نمایند. (ص ۶۹) یادداشت‌های این فصل نشانگر تندشدن روند حوادث، قدرت‌یابی روزافزون رضاخان، ترس و استیصال احمدشاه، حساسیت شدید روس‌ها نسبت به این تحولات، آگاه شدن انگلیس و رضاخان از روابط احمدشاه و سفارت شوروی و در نهایت کوتاه آمدن روس‌ها در مقابل آن‌ها است.

دوره دوم این روابط نیز همزمان با حکومت قوام السلطنه است که روس‌ها به شدت با وی مخالفت می‌کنند. این امر در قسمت‌های مختلف این یادداشت‌ها مشهود است. (صص ۷۹-۷۸-۷۶-۷۱) اما نکته جالب این که با وجودی که روس‌ها خود را در اوضاع ایران بی‌طرف نشان می‌دهند، در عمل تلاش می‌کنند نخست وزیری به فردی طرفدار روس‌ها سپرده شود. (ص ۷۳) مهم‌ترین خواسته‌ها و نارضایتی‌های شوروی از دربار ایران به شرح زیر می‌باشد: نارضایتی

▼ تصویر احمد شاه به همراه بصیرالدوله و همراهان در مسیر سفر دوم به اروپا، ترکیه



با توجه به پاسخ‌های احمد شاه به خواسته‌ها و گلايه‌های روس‌ها، از یک سو می‌توان به موضع منفعلانه شاه به دلیل فقدان قدرت وی و از سوی دیگر به تلاش‌های او برای جلب حمایت روس‌ها در برابر جبهه مشترک رضاخان و انگلیسی‌ها پی برد

ملاقات طولانی شارژ دافر شوروی با رضاخان و زمزمه‌های حضور احتمالی سوسیالیست‌ها در کابینه وی را دلیلی بر همراهی روس‌ها با برنامه‌ها و سیاست‌های انگلیس و رضاخان می‌داند و در نهایت به روس‌ها اعلام می‌کند: «پس از این که دستخط زمامداری به وزیر جنگ دادم، به هیچ وجه من الوجوه نمی‌توانم در ایران بمانم... و به اروپا خواهم رفت.» (ص ۱۴۲)

آخرین بخش از یادداشت‌ها به خوبی تغییر روش شوروی، به رغم مانورهای ضد انگلیسی و ضد رضاخانی را نشان می‌دهد. آن‌ها ضمن پذیرفتن واقعیت‌های موجود که نخست وزیری رضاخان تحت حمایت انگلیس از آن جمله بود، پیشنهادها و خواسته‌هایی از جمله خواستن طرح از رضاخان، دخالت شاه در تمام امور و عدم واگذاری نفت شمال به استاندارد اوایل را به آگاهی احمد شاه می‌رسانند. به نظر می‌رسد از این پس دیگر ملاقات و مذاکره‌ای بین دو طرف صورت نمی‌گیرد و دلیل آن نیز می‌تواند قطع امید شاه از روس‌ها و مسافرت او به اروپا بوده باشد.

علاوه بر موارد ذکر شده، کتاب دارای ضمائم می‌باشد که مجموعه نامه‌ها و تلگراف‌های مربوط به روابط و حوادث صورت گرفته میان ایران و شوروی است. علاوه بر ضمائم، در پایان پنج تصویر از بصیرالدوله و خانواده‌اش و نیز تصاویری از یادداشت‌های خطی وی که این کتاب براساس آن نشر یافته است، وجود دارد.

از سقوط کابینه مستوفی الممالک، نارضایتی از عدم تأسیس سفارت کبرای شوروی در ایران، آگاه نمودن شاه از قصد انگلیس در بدنام کردن سفارت و دولت شوروی در ایران، تأکید مکرر وزیر مختار جدید بر قصد انگلیس در کودتا به وسیله رضاخان، نارضایتی از اقدامات رضاخان علیه منافع شوروی، ترغیب شاه برای تشکیل گروه‌های سیاسی و... برای تأمین منافع، آگاه کردن شاه از قصد رضاخان در ایجاد دشمنی بین آن‌ها و تصمیم وی برای وارد نمودن نمایندگان وابسته به خود به مجلس پنجم.

به دنبال طرح این مسائل احمد شاه همچنان ناتوانی خود را بروز می‌داد. سفارت شوروی طی ملاقات‌های بعدی مسائل مهم تری را با شاه در میان می‌گذاشت که نشانگر آگاهی و تحلیل دقیق آن‌ها از اوضاع است.

از این پس احمد شاه به تدریج نسبت به حمایت‌های شوروی ناامید می‌شود، آنها را در قدرت گرفتن رضاخان مقصر می‌داند و خود را برای مقاومت در برابر تقاضای مقام ریاست وزرایی رضاخان ناتوان می‌بیند و به روس‌ها در مورد تضعیف موقعیت‌شان در صورت وقوع چنین امری هشدار می‌دهد. (صص ۴۲-۱۴۱). در آخرین ملاقات‌ها می‌توان هماهنگ شدن روس‌ها با انگلیسی‌ها در مورد مصالحه بر سر ریاست وزرایی رضاخان را به وضوح مشاهده کرد. شاه ضمن تأکید بر ناگزیری در واگذاری ریاست وزرایی به رضاخان،